

دفترچه خاطرات شانزده زن ایرانی
در قلمرو زندگی روزمره

نوشین احمدی خراسانی

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست

۷	گرایش کتاب.....
۲۳	تقدیر سخن.....
۵۱	فصل اول: دوران کودکی: زندگی بی دردسر.....
۸۷	فصل دوم: روایت‌هایی از واقعه «کشف حجاب».....
۱۰۵	فصل سوم: «آموزش»: کیمیای سعادت زنان.....
۱۶۷	فصل چهارم: ماجراهای زندگی زناشویی.....
۱۹۵	فصل پنجم: فرو ریختن دیوارهای «آموزش عالی».....
۲۲۳	فصل ششم: از تجربه معلمی و مدرسه‌سازی تا استادی دانشگاه.....
۲۵۷	فصل هفتم: از روایت خانم دکتر تا حکایت خانم نویسنده.....
۲۸۳	فصل هشتم: امدادگران جامعه در حال گذار.....
۳۲۷	فصل نهم: گریزان از سیاست.....
۳۵۷	پایان سخن: فرآیند زنانه شدن جامعه ایران.....
۳۷۷	فهرست منابع.....
۳۷۹	نمایه نام‌های زنان مصاحبه‌شونده.....

فصل اول

دوران کودکی: زندگی بی‌دردسر

پدرم تحصیل کرده روسیه بود. در آن زمان مردم بیشتر برای تحصیل به روسیه می‌رفتند و بعد از آن به آلمان، فرانسه، و انگلیس سفر می‌کردند. پدر من هم تحصیل کرده روسیه بود. این جملات، بخشی از خاطرات خانم منجیلیان (سلطان محمدی) در مورد پدرش است. برخی دیگر از پدران مصاحبه‌شوندگان مانند پدر خانم منجیلیان به روسیه سفر کرده بودند.

کثر زنان مصاحبه‌شونده از زمره‌ی طبقات متوسط و مرفه جامعه محسوب می‌شوند. پدران این زنان غالباً تاجر بوده‌اند یا در موسسات دولتی کار می‌کردند یا هر دو موقعیت را توأمان دارا بوده‌اند: یکی تاجر -ریج و در عین حال شاغل در اداره دارایی (مدیرکل اداره دارایی)، بوده است. آن دیگری وکیل مجلس، و برخی دیگر از پدران خانواده یا سرتیپ ارتش و یا رئیس اداره پست و تلگراف در گرگان و خراسان بوده‌اند. برخی دیگر از آن‌ها طبابت می‌کرده‌اند و برخی دیگر از راه تجارت کالا با

کشورهای همسایه و عمده‌فروشی منسوجات، الوارهای چوب و... به کسب درآمد می‌پرداختند. در واقع اکثر این خانواده‌ها به لحاظ شغلی و موقعیت اجتماعی‌شان با دولت جدید - دولت رضا شاه - که به‌تازگی سرکار آمده بود و حال و هوای تغییر جامعه و مدرنیزاسیون را در سر می‌پروراند رابطه و پیوندهایی داشته‌اند. برای نمونه برخی از آنان درحالی که تاجر بوده‌اند همزمان، به عنوان وکیل مجلس شورای ملی، به کار قانون‌گذاری و حتی سیاست‌گذاری مشغول بوده‌اند. یا در نهادها و ادارات دولتی (غیر از مجلس) نیز کار می‌کردند. فقط سه مورد از خانواده‌ی مصاحبه‌شوندگان (از جمله خانواده مریم سلطانی، عفت صفاکیش، و فاطمه کیوان) از طبقه متوسط هستند، برای نمونه پدر مریم سلطانی، کارمند دفتری یک اداره دولتی بوده است هرچند که در آن دوره (در زمان رضا شاه) کارمند اداره بودن، یک پرستیژ اجتماعی محسوب می‌شده است. بنابراین می‌توان همه‌ی این گروه از زنان را از اقشار و طبقاتی مرفه و دارای منزلت اجتماعی قلمداد کرد.

اکثر زنان مصاحبه‌شونده (از جمله عزیزه شیبانی، شهربانو ضربایی، خدیجه مقدم، عذرا ارشادی، مریم سلطانی، و بتول منجیلیان) در بازگویی خاطره‌ها و ماجراهای زندگی خود از رفت و آمد و مراوده‌ی پدرشان با کشورهای همسایه، به خصوص با همسایه شمالی ایران یعنی روسیه سخن گفته‌اند.

در واقع اکثر پدران مصاحبه‌شوندگان جزو اقشار با درآمدهای بالا و دارای رفاه مادی محسوب می‌شوند. این موقعیت اقتصادی و به خصوص مراوده با کشورهای خارجی، و در نتیجه، آشنایی با تولیدات مادی (و لاجرم فرهنگی) ملل غیرایرانی، خواهی نخواهی بسترساز تحول آرام فرهنگی در میان خانواده‌های این اقشار و طبقات، بوده است. به نظر می‌رسد که این مجموعه متنوع از روابط (در کنار ارتباط نزدیک با

یوروکراسی نوین دولتی پیش زمینه‌ای برای آشنایی آنان با ارزش‌های نو و متفاوت بوده است. و در حقیقت، به تغییر الگوهای رفتاری و فرهنگی خانواده زنان مصاحبه‌شونده، کمک فراوان نموده و مسبب ظرفیت‌سازی به جهت ارتباط روزافزون با مناسبات در حال نضج شهرنشینی هم بوده است.

هم‌چنین در این دوران، چنانچه در بخش‌های آتی کتاب خواهیم دید، حوادث ناشی از مدرنیزاسیون در جامعه و تغییر و تحولات ناشی از آن، در لابلائی گفتارها و خاطره‌های زنان مصاحبه‌شونده به خوبی دیده می‌شود. برای نمونه این تغییر و تحول نه فقط در بافت روابط شهری و به خصوص در روابط خانوادگی (رابطه این زنان با شوهران‌شان یا با والدین) بازتاب دارد و این بافت را زیر تاثیر قرار داده، بلکه در ساخت و سازهای کالبدی شهر (که برای نمونه، عذرا ارشادی به ساختن بنای عظیم و مدرن بانک ملی اشاره می‌کند) قابل ردیابی است. در خلال بیان خاطرات، معصومه سهراب (مافی) نیز به تشکیل و پایه‌گذاری دانشگاه تهران اشاره دارد. حکایت بنای اولین بیمارستانی که پدربزرگ معصومه سهراب در ایران بنا کرد یا روایت لعل فیروزگر از تاسیس و برپایی ساختمان بیمارستان فیروزگر توسط پدرش، به هم می‌آمیزد.

در فصل‌های بعدی کتاب نیز با پروسه رشد آرام اما پردردسر مدارس نوین و حرفه‌ای (رسمی) و تحول در مواد درسی و آموزشی مدارس، پیدایی خدمات عمومی (دولتی)، هم‌چنین رشد شهرنشینی، افزایش رفت و آمد به کشورهای اروپایی برای کسب دانش و مدارج تحصیلی و شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و ده‌ها و صدها نمونه جالب از مواردی که مبین تحول ساختاری جامعه است آشنا خواهیم شد.